



عطف

دربارهٔ «پاییز آمد» خاطرات فخرالسادات موسوی همسر سردار شهید احمد یوسفی

از دوست به یادگار دردی دارم

<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>
<div> </div> 	<div> </div>

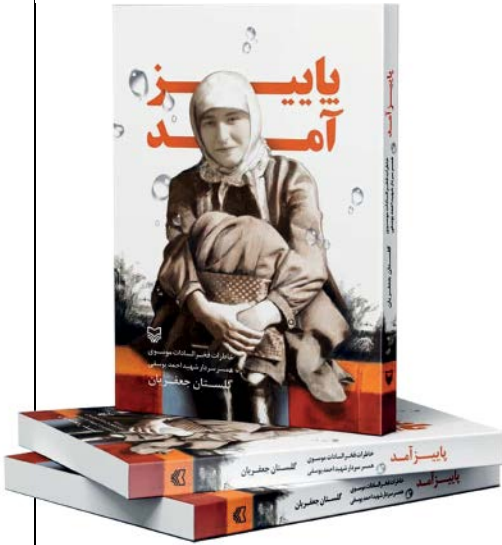
البته باید آن را بزرگ تر و کلان تر دید و گفت ماجرای نسلی است که عاشقی را خوب بلد است. می‌تواند عاشق وطن باشد، می‌تواند پا بر زمین سر در آسمان داشته باشد. می‌تواند روی همین کره خاکی عشق دیگری را هم همزمان با دیگر احساسات و آرمان هایش تجربه کند و خانواده تشکیل دهد.

موضوع کتاب، مصاحبه با همسر شهیدی است که در ۱۸ سالگی ازدواج و در ۲۵ سالگی با داشتن دو فرزند، همسر خود را از دست داده بود. خانواده این خانم، با ازدواج او موافق نبودند و حتی پدرش، در مراسم عقدش شرکت نکرده بود. در تمام خاطرات فخرالسادات می‌توان شیوه عاشقی نسلی را دید که کمتر این وجه از آنها را دیده‌ایم: جوان‌های دهه ۵۰ و ۶۰ که در اوج روزهای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی زندگی کرده و هرچند بسیاری‌شان پاسدار و سپاهی و رزمنده بوده‌اند، اما زندگی عادی داشتند.

راوی کتاب پاییز آمد، چهره زن را نشان می‌دهد که مسوولیت اجتماعی برایش اهمیت دارد و یک کنشگر اجتماعی فعال است. در همین مسیر است که گذرش می‌افتد به سپاه و همان‌جا هم دوره‌های امدادگری و تخریب را یاد گرفته و به‌عنوان مربی کار خود را آغاز می‌کند. در همین دوران با همسرش احمد یوسفی آشنا شده و به عشق او جلوی مخالفت‌های خانواده‌اش می‌ایستد.

هدف نویسنده در این کتاب، کاوش در نگاه و اندیشه دختر ۱۶ ساله‌ای است که حالا در آستانه ۶۰ سالگی قرار دارد؛ دختری که در ۱۶ سالگی تصمیم می‌گیرد با پسری که قرار است شهید شود، ازدواج کند و از همین رو پاییز آمد را همچون یک تراژدی عاشقانه روایت می‌کند.

شیوه نگارش کتاب از ادبیات فلسفی خاصی پیروی می‌کند. گفت‌وگوی ذهنی فخرالسادات انگار تمامه نمی‌شود، بارها از خودش سوال می‌کند و به خودش جواب می‌دهد تا از راهی که انتخاب کرده، منصرف نشود. هدف کتاب روایت سیر زندگی انسان‌هایی است که در مواجهه چالش‌های عجیب، همچنان بدون یک لحظه پشیمانی بر سر انتخاب‌های‌شان ایستاده‌اند. شرح لحظه به لحظه عاشقی فخرالسادات، زندگی مشترکی که کشمکش دائمی بین خواستن و از دست دادن است و در نهایت مواجهه با شهادت از این کتاب اثری خواندنی ساخته است و سیمای زن را ترسیم کرده که هر لحظه محکم‌تر شده و با درد همزیستی داشته است، آنچنان که مولانا می‌گوید: از دوست به یادگار دردی دارم / کان درد به صد هزار درمان ندهم...



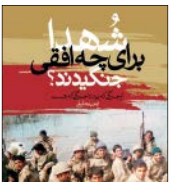
یک هفته با کیارستمی در موزه هنرهای معاصر تهران

یک هفته با عباس کیارستمی با نمایش مستندهای منتخب درباره این کارگردان ۶۵ تا ۱۵ آبان در سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.

به گزارش ایلنا، مهدی شادی‌زاده، دبیر جایزه بین‌المللی «عکس ۵» گفت: در این مراسم برای اولین بار ترکیبی از مستندهای منتخب درباره این کارگردان از روز پنجشنبه ۶ آبان در ساعت ۱۶ در موزه هنرهای معاصر تهران نمایش داده می‌شود.

کتاب وحید جلیلی باز هم در بازار کتاب

چاپ پنجم کتاب «شهدا برای چه افقی جنگیدند؛ جنگی که بود، جنگی که هست» به قلم وحید جلیلی منتشر و روانه بازار نشر شد. وحید جلیلی در این کتاب دریچ‌ای نو از آنچه پس از جنگ تحمیلی در جامعه رخ داده را برای مخاطب بازگو می‌کند و به بیان آسیب‌های موجود پیرامون روایت‌هایی که توسط افراط به ظاهر انقلابی از «جنگ»، «شهدا» و «دفاع مقدس» وجود دارد، می‌پردازد.



آخرالزمان به روایت هالیوود

فیلم تل ماسه به جز صدرنشینی در گیشه، بحث‌های فراوانی در زمینه مباحث موعودباوری دینی نیز به وجود آورده است

با وجود سال نوشتن رمان علمی- تخیلی فرانک هربرت در ۱۹۶۵ و سال ساخت فیلم دیوید لینچ در ۱۹۸۴، به نظر می‌رسد «تل ماسه» سنخیت بیشتری با ۲۱ و این زمانه دارد و با اوضاع و احوال آشفته جهان امروزی سازگارتر و همخوان تر است. تل ماسه ساخته دنی ویلنوو که در اکران همزمان در سینماها و اکران آنلاین با استقبال خوبی مواجه شده و بر صدر بکس آفیس آمریکای شمالی تکیه زده و حسابی تن کرخت سینمای کرونا زده را تکانده، با وجود برخی نقدهای منفی و مخالفت‌های ساختاری و ایدئولوژیک و به‌ویژه آن گروه از علاقه‌مندان سینما که دل خوشی از بلک باسترها و فیلم‌های عظیم و پرهزینه ندارند، جنس متفاوتی نسبت به نمونه‌های مشابه دارد و نباید صرفا به عنوان یک فیلم پربازیر و پرخرج علمی- تخیلی معمولی به آن نگاه کرد. کمپانی برادران وارنر و سازندگان تل ماسه با هوشمندی و زمان سنجی دقیق و هدفمندی کامل، موضوع آخرالزمانی و طرح بحث منجی را جدی‌تر و قابل تامل تر به تصویر کشیده‌اند که تماشای آن فارغ از رضایت‌مندی مخاطبان و حتی تطبیق نداشتن با حقیقت موضوع و اختلافات ایدئولوژیک، کنج‌کاو برانگیز است به‌ویژه همان اشاره‌هایی که به نام مهدی موعود در فیلم می‌شود، به اندازه کافی می‌تواند دلیل مواجهه‌های مختلفی با تل ماسه باشد و از نظر مهدویت و موعودباوری اسلامی هم می‌توان با اثر روبه‌رو شد.



علی رستگار

سینما

اشاره‌های آخرالزمانی



رویارویی دینی و مذهبی با تل ماسه و بررسی دقیق نشانه‌های فیلم و حتی خوانش نیت سازندگان هالیوودی و اشاره به دست‌های احتمالی پشت پرده با اهدافی خاص، در این مجال سینمایی نمی‌گنجد، اما اگر کمی نیمه پر لیوان را ببینیم و عقبه هالیوودی را درنظر بگیریم که در این سال‌ها گاهی شیظنت‌هایی در راستای اسلام‌هراسی انجام داده و دل به سیاست‌های سیاستمداران آمریکایی و اروپایی داده، تل ماسه را باید قدمی رو به جلو و به قصد جلب توجه جامعه مسلمانان پنداشت. همین که با هر قصد و نیتی، سازندگان تل ماسه، چهره‌ای منفی از اسلام به نمایش نگذاشتند و در بحث منجی و فضای آخرالزمانی فیلم، اشاره به نام حضرت مهدی(عج) داشتند و نگاهشان به

مسعود نقاش‌زاده، دبیر چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر شد

محمد خزاعی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی کشور طی حکمی مسعود نقاش‌زاده را به سمت دبیر چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر منصوب کرد. نقاش‌زاده، کارگردان، استاد دانشگاه و دارای درجه دکتری مطالعات هنر است و سابقه مدیریت به‌عنوان معاون فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی، مدیرکل امور برنامه‌ها و مشاورعالی سیمافیلم، معاون آموزش و پژوهش خانه سینما را داشته است.



این شخصیت مثبت بود و حرمت، شأن و مقام منجی را حفظ کردند نشانه‌های قابل تاملی است. البته این اشارات به منجی در منبع اصلی اقتباس یعنی کتاب تل ماسه نوشته فرانک هربرت وجود دارد، اما دیوید لینچ ترجیح داد برخلاف کتاب، اسم «مهدی» را در فیلمش ذکر نکند و بیشتر بحث منجی را زیر سایه سنگین فضای علمی- تخیلی قصه پیش بکشد، اما دنی ویلنوو ضمن حفظ وجهه علمی- تخیلی رمان، باورها و اعتقادات اثر را در فیلمش پررنگ کرد و به‌ویژه با مطرح کردن اسم مهدی به عنوان فرد موعود، دست‌کم به لحاظ ظاهری هم شده، برای موعودباوری در اسلام و بحث مهدویت از نظر شیعیان و مسلمانان احترام قائل می‌شود و کنج‌کاوی آنها برای تماشای فیلم را رقم می‌زند و باعث همراهی احتمالی و مشارکت این گروه مخاطبان برای بحث، بررسی، نقد و نظر می‌شود. در واقع اگر نیت سازندگان برای این اشاره اسلامی را صرفا اقتصادی و برای گسترش دایره تماشاگران و جلب‌نظر مخاطبان مسلمان و منتظر ظهور درنظر بگیریم هم تل ماسه موفق و با برنامه عمل کرده است. در تل ماسه تازه و در چند سکانس، اشاره‌هایی به منجی می‌شود و از شخصیت پاول آتریدیس (تیموتی شالامی) به عنوان ناجی جهان یاد می‌کنند. اولین سکانس جدی در این زمینه آن آرمونی است که مادر روحانی (شارلوت رمپلینگ) درباره تحمل درد از پاول جوان می‌گیرد و با اشاره به او از فرد موعود صحبت می‌کنند. تاکید جسیکا (ریکا فرگوسن) مادر پاول، درباره نزدیک بودن ظهور هم از موارد مهمی است که بحث منجی را برجسته‌تر می‌کند و جهان علمی- تخیلی قصه را گسترش و به جهان واقعی و اعتقادات گروهی از مخاطبان تعمیم می‌دهد.

یکی دیگر از سکانس‌های مهم در این زمینه، آنجاست که پاول و همراهانش از سفینه به بیرون قدم می‌گذارند و فرمن‌ها که به لحاظ تیییکال، یادآور اعراب هستند، با دیدن پاول به شوق می‌آیند و او را با عنوان لسان الغیب فریاد می‌زنند. هرچند ما در ایران، حافظ

نقدی بر نوشته جواد طباطبایی در تحلیل جنگ ۸ساله و مدافعان حرم

تاریخ‌نویسی سیاسی منهای تاریخ

حکایت نویسنده‌گی ماست. جای آن‌که در گرماگرم حوادث حاضر باشند، به دنبال امن‌گاهی هستند تا مرتبت‌شان منهدم نشود. ظلمات خانه یا میدان را بهانه می‌کنند تا از توی کوچه که طبعاً نمی‌توانند وطن به حساب بیایند، چیزی می‌نویسند. سعی می‌کنند «کمی» دورتر «بایستند» تا چیزی بگویند یا بنویسند اگر بنویسند.

کسی انگشتی در خانه گم کرد، در کوچه می‌جست. گفتند کجا گم کردی؟ گفت در خانه. گفتند پس چرا در کوچه می‌جویی؟ گفت خانه تاریک است. (کلیات عبید زاکانی، به اهتمام محمد جعفر محبوب، صفحه ۳۰۷)

میثم امیری نویسنده

تاریخ‌نویسی جنگ به سبک استاد

مهم‌ترین چهره‌ای که اخیرا درباره در جنگ مهم ایران، یکی در برابر صدام و دیگری در برابر گروه‌های تکفیری مطلبی نوشته است، جواد طباطبایی است. استاد طباطبایی یک چهره برجسته در علوم انسانی و یک متفکر نام‌آشنا در اندیشه سیاسی است. نوشته‌های او، در تحلیل وضعیت ایران در سده اخیر معتبر جلوه کرده است. این نویسنده نیز خواننده همیشگی آن نوشته‌ها و کتاب‌هاست. اما طباطبایی کمتر درباره دوران حاضر چیزی نوشته است. صرف نظر از چند بحث علمی درباره دانشگاه یا وضعیت علوم انسانی در ایران یا موضوع پان ترکیسم کمتر در مورد موضوعات روز موضعگیری کرده است. حال در یک کانال تلگرامی که ظاهرا به او تعلق دارد، درباره نسبت ایران با عراق و سوریه و ترکیه و آذربایجان مطالبی نوشته است. نوشته جواد طباطبایی به تفصیل در اینترننت در دسترس است. مطلب او درباره خطر اتحاد آذربایجان، ترکیه و داعش است اما در آن مطلب اشاراتی به جنگ هشت‌ساله و نبرد علیه تکفیری‌ها آمده است. مجال آن است که تا فهم طباطبایی از دفاع ایران در نبرد با صدام و داعش را بشکافیم. این بخش با چنین جمله‌هایی در متن طباطبایی پا می‌گیرد:

«تردیدی نیست نزدیکی ایران و قبیله اسد پس از انقلاب اسلامی هیچ ربطی به حب انقلاب اسلامی از سوی اسد نداشت، بلکه او یک دشمن بزرگ در منطقه داشت که

طباطبایی که فهمی از دفاع ما در برابر داعش پیدا نکرده است اما چنین می‌نویسد: «من پیرو میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام هستم که به فرستاده دولت بهیه گفت قرارداد با روس را «به مردی یا نامردی» اجرا نخواهد کرد. گمان نمی‌کنم در مقابله با اردوغان ـ علی‌ای جایی برای مردی باقی مانده باشد. به نامردان توپ‌کاپی باید فهماند اگر دست از پا خطا کنند دست و پایشان به نامردی قطع خواهد شد.» یعنی به نظر طباطبایی در برابر صدامی که یک طرفه داشت خوزستان را می‌کوبید نباید مردانه جنگ می‌کردیم. در برابر داعش جوانمردانه نمی‌ایستادیم و حالا باید در جبهه شمالی کشور، شده حتی به نامردی، جنگی را آغاز کنیم. حرفی نیست، حرف این است که او هنوز نمی‌داند چرا نبرد با صدام پا گرفت و در برابر داعش در سوریه و یمن و عراق، مقاومت ما از چه جنسی است. داعش در جبهه شمالی رحم اجاره‌ای اردوغان و علی‌ای نشده است. در شرق هم دارد می‌تازد. خطر را فهمیدن غیر از فهم صحیح خطر است.

با این همه، متن آقای طباطبایی را به فال نیک می‌گیرم. چه خوب می‌شد



اشتباه از بسیاری جهات تکرار همان اشتباه صدام بود. « این مصداق تاریخ‌نویسی یک استاد تاریخ بی‌نیاز از تاریخ زنده یک کشور است. این نه تاریخ مشروطیت است، نه لحظاتی از «بحران آگاهی» که نیازمند شنای در منابع باشد. این تاریخ زنده‌ای است که راونایش هنوز هم‌سن فرزند آقای طباطبایی در دسترس هستند. «محور مقاومت»

آقای طباطبایی! زاب کجاست؟

باقی روشنفکران و نویسندگان فهم خود از مناسبات منطقه و دفاع مدافعان حرم را می‌نوشتنند. آن فرمانده گلگون چهر پیاده، ابوحامد را می‌شناختند و راهی برای درک وضعیت نظامی و امنیتی ایران در منطقه می‌یافتند. کم‌کاری دستگاه‌های مسوول در نیروهای مسلح حرف تکراری است که دوباره بیانش نمی‌کنیم. هنوز چیزی از نبردهای ما در سوریه و عراق منتشر نشده است که قانع‌کننده باشد. ملودرام سطحی که اقناع‌کننده روحیات لطیف دبیرستانی است، به جای خود، پس روایت دفاع ایران بطور وکی قرار است منتشر شود؟ کجا قرار است بخوانیم که ایران در سوریه و عراق چه کرد؟

این متن به طباطبایی نهیب می‌زند که زاب در نقشه عالم تنها نام رستورانی تایلندی در شمال آمریکا نیست؛ بلکه شهری است در ۳۰۰کیلومتری مرز غربی ایران، آنجا نبردهای خونین با داعش درگرفت که روایتش به زودی منتشر خواهد شد. بدانید فاصله همین قدر بود و اقلیم کردستان عراق نمی‌توانست هیچ ربطی به دولت بشار اسد داشته باشد. اما این متن نمی‌داند بطور باید به مسوولان نیروهای مسلح نهیب بزند که آوینی بعد از شهادتش آوینی شد و در زمان ساخت روایت فتح دشمن کم نداشت؛ پس به دشمنان نویسنده‌ها کاری نداشته باشید به آنها اطلاعات بدهید و در یمن و سوریه و عراق همه‌پای خود کنید تا روایت کنند و بفهمند.